



ترکیبی از نوآر و زندگی شیرین

گفت و گو با **استیون زایلین** خالق سریال ریپلی که اقتباسی جدید از داستانی مشهور است

نتیجه مینی سریال شوتایم / نتفلیکس «ریپلی» شد که اندرو اسکات را در نقش ریپلی کلاهبردار نشان می‌دهد که تاجر ثروتمند، هربرت گرین لیف (با بازی کنت لوترگان) به ایتالیا فرستاده می‌شود تا پسرش دیکی (جانی فلین) را متقاعد کند که به جای تلف کردن وقتش و نقاشی در ساحل آملی، به خانه برگردد. تام ریپلی با رسیدن به اثرانی - جایی که دیکی با دوست دخترش مارج (داکوتا فاینینگ) زندگی می‌کرد - خودش را با چرب‌زبانی وارد زندگی‌شان کرد و در نهایت دیکی و دوستش فردی میلز (الیوت سومنر) را قبل از رفتن به سمت رم کشت و هویت دیکی را از آن خود کرد.

ریپلی که بیش از ۱۰ ماه در لوکیشن ایتالیا فیلمبرداری شد، اقتباسی مسحورکننده، بی‌شتاب و منحصربه‌فرد است که با بازی خونسردانه و جالب اسکات و فیلمبرداری سیاه و سفید باشکوه رابرت السویت جایش را در دل سینه‌فیل‌ها باز کرده است. در تضاد شدید با هوای افتابی نسخه‌های قبلی، در این سریال لنزهای دوربین به نوار متمایل می‌شود؛ با عمق میدان، ترکیب‌بندی‌های جسورانه و بازتاب‌های «مرد سوم» هیچ‌کاک در اوایل هالیوود، همچنین استفاده هوشمندانه از نقاشی‌های کاراواجو، هم از نظر روایی و هم از لحاظ بصری.

زایلین نتیجه ترکیبی بین فیلم نوآر و «زندگی شیرین» توصیف می‌کند «به‌ویژه باتوجه به سبک فیلم، موسیقی را می‌خواستیم که آن دوران را هم بازتاب دهد، چیزی که در یک فیلم آمریکایی ندیده بودم و آن مرا مجذوب کرد.»

در اینجا با استیون زایلین، همه‌کاره‌ی سریال که تمام هشت قسمت این سریال را نوشته و کارگردانی کرده، درباره‌ی چهار عاملی که «ریپلی» او را آن قدر به‌یاد ماندنی کرده یعنی؛ اقتباس، بازیگران، پیش تولید و تصویربرداری و فیلمبرداری صحبت شده است.

اقتباس

زایلین در این باره می‌گوید: «من این کتاب را قبل از اکران فیلم ۱۹۹۹ خواندم، بنابراین همه چیز در ریپلی همان احساسی است که وقتی ابتدا آن را خوانده بودم. کتاب‌های‌های اسمیت آن قدر خوب نوشته شده‌اند و آن قدر بدون زمان هستند که فکر می‌کنم افراد مختلف می‌توانند بارها و بارها آن‌ها را تفسیر و بازتفسیر کنند. «ظاهر بنفش» و «آقای ریپلی با استعداد» فیلم‌های خیلی خوبی هستند، اما من می‌خواستم این کار را به شیوه‌ای متفاوت انجام دهم. از نظر داستان، فیلم خیلی زیاد به کتاب وفادار است، اما از نظر شخصیت من تفسیر خودم را دارم.



عکس: netflix

و فیلیپ سیمور هوفمان. «ریپلی»، اثرهای اسمیت موضوع پنج رمان است. «ریپلی در زیرزمین» کتاب دوم از این مجموعه در فیلم ۲۰۰۵ به کارگردانی راجر اسپاتیس‌وود با بازی بری پیر اقتباس شد. کتاب سوم «بازی ریپلی» ابتدا توسط ویم وندرس در ۱۹۷۷ با نام «دوست آمریکایی» با بازی دنیس هاپر در نقش ریپلی و بعد با همان نام کتاب، در سال ۲۰۰۲ به کارگردانی لیلیانا کاوانی با بازی جان ماککوویچ اقتباس شد.

استیون زایلین، فیلمنامه‌نویس برنده‌ی جایزه‌ی بفتا و اسکار برای «فهرست شیندلر»، «دارودسته‌های نیویورکی»، «مانیبال» و «مردی ایرلندی» است و خالق «آن شب» سریال هشت قسمتی است که جایزه‌ی امی ساعات پربیننده برای مجموعه تلویزیونی کوتاه بر جسته را برد. او مدت‌ها طرفدار این رمان پنج‌گانه بود و وقتی مدیران تولید، بنجامین فورنکر، گایمن کاسدی و فیلیپ کیسل پیش او رفتند و درباره‌ی اقتباس از آن‌ها برای تلویزیون صحبت کردند، فوراً علاقه‌مند شد: «آن‌ها پیش من آمدند و به جای ساخت یک فیلم، درباره‌ی ساخت یک سریال صحبت کردند.»

استیون زایلین، اقتباس هشت قسمتی از «آقای ریپلی با استعداد» پاتریشیا‌های اسمیت را ترکیبی از یک فیلم نوآر و «زندگی شیرین» می‌نامد و می‌گوید: «همیشه این فیلم را به صورت سیاه و سفید تصور می‌کردم.»
رمان ۱۹۵۵ «آقای ریپلی با استعداد» پاتریشیا‌های اسمیت، دو بار در سینما اقتباس شد است: یکبار توسط رنه کلان با نام «ظهر بنفش» (۱۹۶۰)، با بازی آلن دلون به‌عنوان شارلاتان جذاب و تام ریپلی و اقتباسی معروف‌تر توسط آنتونی منگلا در ۱۹۹۹ با بازی مت دیومون در نقش ریپلی، جود لا، گینت پالترو



ترجمه: زینب کاظم خواه

منبع: اسکرین دیلی

نگاه بازیگر

است به زبان دیگری هم صحبت کنند، شاید حس هراس داشته باشند، بنابراین احساس می‌کنم وظیفه‌ی من این است که مطمئن شوم بخش بازیگری بجنوعی تحت مراقبت قرار می‌گیرد و اگر سوالی دارند، احساس کنند که می‌توانند در موردش با من صحبت کنند. این برای من خیلی مهم است، زیرا کسی می‌تواند سوالی خیلی زیرکانه بپرسد که واقعاً تفاوتی اساسی در بازی اش ایجاد کند.

شما گفته‌اید که تام ریپلی را به‌عنوان قهرمان و ضدقهرمان می‌بینید. می‌خواهم این موضوع را باز کنید. این نگاه را دوست دارم زیرا رویکرد شما به هر شخصیتی که بازی کرده‌اید، بدون قضاوت و با همدردی بوده است.

خب فکر می‌کنم هیچ بخشی از آن شخصیت نبوده که احساس کنم آن را درک نکرده‌ام و هیچ چیزی نیست که متفاوت از دیگر انسان‌ها باشد، به این معنا که چیزهایی درباره‌ی تام ریپلی وجود دارد که فکر نمی‌کنم هرگز آن‌ها را درک کنیم؛ مثل ایده‌ی پیشینه‌ی شخصیت و این واقعیت که او بجنوعی قهرمانی غیرقابل اعتماد است. بنابراین چیزی که او ممکن است درباره‌ی خودش بگوید، لزوماً باورش نمی‌کنید، اما این درباره‌ی همه‌ی انسان‌ها هم صادق است و از این جهت تفاوت اساسی با بقیه‌ی مردم ندارد. ما معمولاً چیزهای خاص خود را به داستان‌هایمان اضافه می‌کنیم اما نه به آن اندازه افراطی که او این کار را می‌کند. بنابراین با احساس عجیب بودن و ناخوشایند بودن که تجربه می‌کند، ارتباط برقرار کردم و حس می‌کنم این شخصیت تا حدی جذابیت دارد، در عین حال شرات هم دارد و من نمی‌خواستم از آن جذابیتی که دارد اجتناب کنم. در واقع فکر می‌کنم صحنه‌هایی وجود دارد که در آن او به‌غایت اعتمادبه‌نفس دارد یا به‌عکس می‌رسد که خیلی با اعتمادبه‌نفس است.

معتدم که شما باید داستان را دنبال کنید و نسخه‌های مختلف شخصیت را در صحنه‌های مختلف در کنار هم قرار دهید تا یک تصویر کامل به‌دست آید. فکر نمی‌کنم تام ریپلی یک جنایتکار روانی باشد. در حالی که او به وضوح از اعمال خود آشفته است، شخصیت او در بین مردم بازتاب می‌یابد زیرا ما می‌توانیم او را تا حدی درک کنیم. اگر ما به‌نوعی با او ارتباط نداشته‌ایم، او چنین جذابیت ماندگاری نداشت. دستاورد بزرگ رمان این است که می‌خواهیم به‌خاطر کار اشتباه تنبیه نشود. نمی‌خواهیم او به جایی برسد که بگوییم «خدای من، او را به زندان بینداز»، بلکه می‌گوییم «اوه، لطفاً گرفتار نشه. لطفاً گرفتار نشه». او از ما دعوت می‌کند تا تصور کنیم که تام ریپلی بودن چگونه است، نه یک قربانی تام ریپلی بودن.

گفت‌وگو با **اندور اسکات** که با بازی اش در سریال ریپلی مورد تحسین زیادی قرار گرفت

مثل یک قربانی فکر نکنیم

اولین فردی شد که هر دو جایزه را برای نقش اصلی در یک سال برنده شده است. در تازه‌ترین تور مطبوعاتی برای «ریپلی» در اتاق کوچک سان ست لاس پالماس، یکی از قدیمی‌ترین مراکز تولید هالیوود و استودیوهای زوتروپ که فرانسیس فورد کاپولان آن را تأسیس کرده، به گفت‌وگو نشستیم. اندرو اسکات که خیلی تابع مُد روز است، یک لباس سفارشی مارک لائونین پوشیده، پیراهنی سفید که دکمه‌های بالایش باز است. احتمالاً تمام روز را می‌شود با او درباره‌ی مُد حرف زد، درباره‌ی لباس و ظاهرش روی فرش قرمز، اما اینجا هستی‌تم تا درباره «ریپلی» با او صحبت کنیم. در صحبت‌هایمان درباره‌ی این موضوع حرف زدیم که چطور تام ریپلی شخصیتی ابدی است و چطور نقش او را به گونه‌ای بازی کرد که مثل یک تبهکار نباشد، بلکه تا اندازه‌ای حس همدردی را برانگیخت و بینندگان را مجذوب کرد. ما در مورد سبک ریپلی، انتخاب بازیگران و سبک بصری منحصربه‌فرد زایلین صحبت کردیم.

این اولین پروژه‌ی تمام‌عیار شما برای تولید پروژه‌های در یک فیلم با سریال تلویزیونی است. این سفر چگونه آغاز شد و آن سوی قصه چگونه است؟

خب، جالب بود. فکر می‌کنم تجربه هر کاری با کار دیگر متفاوت است. بدون تردید استیو زایلین رویکردی منحصربه‌فرد و نگاهی خاص دارد که کارش را فوق‌العاده می‌کند. بنابراین هرکسی که با او کار می‌کند، می‌داند که او رویکردی بسیار ویژه دارد. فکر می‌کنم آمدن از نتاخر چیزهای ارزشمندی را به من داده است، اینکه برای ارتباط با شخصیت‌ها ارزش قائلم زیرا زمان زیادی را با آن‌ها می‌گذرانم، به این دلیل در بازیگری تنها روی اجرای خود تمرکز نمی‌کنم بلکه همچنین از دیگر بازیگران هم حمایت می‌کنم. با خود می‌گویم افرادی که به پروژه‌ای بزرگ وارد می‌شوند و فقط برای یک صبح نقش کارکنان هتل را بازی می‌کنند و گاهی اوقات ممکن

اندرو اسکات برنامه فیلمبرداری عظیم ۱۶۲ روزه «ریپلی»، مینی سریال جدیدی را که در بهار امسال در نتفلیکس عرضه شد، نوعی استقامت توصیف می‌کند. این سریال هشت قسمتی اقتباسی از رمان پنج‌گانه‌ی «آقای ریپلی با استعداد»، نوشته‌ی پاتریشیا‌های اسمیت است که توسط استیون زایلین (نویسنده‌ی فهرست شیندلر) برنده‌ی اسکار نوشته و کارگردانی شده است.

این بازگویی از داستان تام ریپلی در واقع در شوتایم در ۲۰۱۹ شروع شد، اما به سرعت ابرقرنطینه‌های جهانی ناشی از همه‌گیری کووید ۱۹، آن را احاطه کرد و کار فیلمبرداری سریال را به تعویق انداخت. با عکس‌های زیادی که توسط رابرت السویت (که برای فیلم «خون به پا خواهد شد» جایزه بهترین فیلمبرداری اسکار را گرفت) گرفته شده بود، ایتالیا لوکیشن اولیه‌ی این سریال بود. اندرو اسکات می‌گوید: «من عادت داشتم صبح‌ها پیاده به سمت کارم در ونیز بروم و به معنای واقعی کلمه هیچ‌کسی آن‌جا نبود. این موضوع غیرعادی بود زیرا معمولاً ونیز همیشه شلوغ بود. وقتی به آن زمان فکر می‌کنم چیزی که به نظرم می‌رسد این است که واقعاً تجربه‌ای فوق‌العاده بود.» در شش ماه گذشته، اسکات افزایش چشمگیری را در دیده‌شدن حرفه‌ی خود تجربه کرده است. پس از موفقیت درام «همه‌ی ما غریبه‌ها»، به کارگردانی اندرو هیگ و یک تور مطبوعاتی شلوغ با همبازی اش پل مسکال بازیگر برنده‌ی جایزه‌ی بفتا، به حدی موفق شد که از زمان بازی در نقش موریارتی در سریال «شرلوک» با بندیکت کامبریج و البته با فیبی والر بریج در «فلیپ» که هنوز هم به‌عنوان «کشیش جذاب» شناخته می‌شود، به آن دست نیافته است. اوایل امسال او جایزه‌ی حلقه‌ی منتقدان فیلم لندن را برای «همه‌ی ما غریبه‌ها» و جایزه‌ی تئاتر حلقه‌ی منتقدان بریتانیا را برای نمایش تک‌نفره‌ی «وانیا» برد و به‌عنوان موجود است.»



فراخوان جایزه ادبی «جلال»

هفدهمین دور جایزه ادبی «جلال آل احمد» از نویسندگان، پژوهشگران، پدیدآورندگان و ناشران دعوت کرده است تا آثار خود را در چهار گروه؛ «داستان بلند و رمان»، «مجموعه داستان کوتاه»، «نقد ادبی» و «مستندنگاری» به این دبیرخانه ارسال کنند. روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران ضمن اعلام این خبر نوشت، براساس این فراخوان کتاب‌های ارسالی باید برای نخستین بار در سال ۱۴۰۲ و با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران در داخل کشور به چاپ رسیده باشند و در یکی از چهار گروه ذکر شده قرار بگیرند. نویسندگان، پژوهشگران، پدیدآورندگان و ناشران می‌توانند پس از تکمیل نسخه فیزیکی کاربرگ که در نشانی jalal.ketab.ir قابل دسترسی است، چهار نسخه از آثار خود را تا پانزدهم مهرماه ۱۴۰۳ به دبیرخانه جایزه ادبی جلال آل احمد به نشانی تهران، خیابان بردران مظفر جنوی، کوچه خواجه‌نصیر، پلاک ۲، ساختمان سرای اهل قلم، طبقه ۴، کدپستی ۱۳۱۵۷۷۳۴۱۱ ارسال کنند.



اولین تصاویر از پیش درآمد «دکستر»

اولین تصاویر از پیش درآمد مجموعه تلویزیونی برطرفدار «دکستر» با عنوان «دکستر: نخستین گناه» که در ۱۰ قسمت با هنرمندی پاتریک گیبسون، کریستین اسلیتر و مالی براون با همکاری پارامونت پلاس و شوتایم در حال ساخت است، منتشر شد. فارس ضمن اعلام این خبر نوشت، با انتشار تصاویر این مجموعه تلویزیونی، خانواده مورگان به‌طور رسمی با حضور گیبسون در نقش دکستر مورگان، اسلیتر در نقش هری مورگان پدر خوانده دکستر - و براون در نقش دبرا مورگان به مخاطبان معرفی شدند. مایکل سی هال، جیمز رمار و جنیفر کارپنتر بازیگران این سه نقش در مجموعه اصلی بودند. اتفاقات این پیش درآمد ۱۰ قسمتی، به سال ۱۹۹۱ و حدود ۱۵ سال پیش از وقایع «دکستر» بازمی‌گردد و روند تبدیل شدن دکستر دانش‌آموز به قاتل سریالی را به تصویر می‌کشد. مجموعه تلویزیونی «دکستر»، تحسین بسیاری از منتقدان را به همراه داشت و چندین بار نامزد دریافت جایزه گلدن گلوب و امی برای بهترین سریال درام شد.



انتقاد بهمن کیارستمی از «هوسی قمار آخر»

بفتازگی کتابی با عنوان «بازخوانی پرورده در مانی عباس کیارستمی در گفت‌وگو با پزشکان»، توسط اسماعیل رضضانی رونمایی شده است. این کتاب شامل هفت گفت‌وگو است که همگی در زمستان سال ۱۳۹۵ انجام شده‌اند. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، بهمن کیارستمی، فرزند عباس کیارستمی ضمن انتقاد از این کتاب گفته است: «شگفت‌انگیزترین بخش این کتاب برای من گفت‌وگو با دکتر ایرج خسرونیاست، یعنی رئیس هیئت بدوی نظام پزشکی که در واقع ایشان بجنوعی قاضی این پرونده هم بودند. ایشان گفته‌اند، پرونده اصلاً شاکای خصوصی نداشت.» بهمن کیارستمی با بیان اینکه این حرف برایش بسیار جالب است، ادامه داده است: «ایشان مرا به دفتر خود دعوت کرد و گفت، شکایت نکن، به جایی نمی‌رسی.» او افزوده است: «فردای آن روز با کمک خانم مانوش منوچهری - وکیل پرورده - شکایتمان را ثبت کردیم و تمام سابقه این پرونده به سازمان نظام پزشکی و پزشکی قانونی موجود است.»